



# جبهه ملی

امید ملت

شماره ۹۱، سال هشتم - خرداد ۱۳۹۱ برابر با ماه ژوئن ۲۰۱۲

## نشریه بروونمرزی

### ارگان هیئت اجرایی جبهه ملی خارج کشور

فراخوانی از: کاوه هامونی

## مقاله

هوشنگ کردستانی

### رویدادهای ۲۵ خرداد ۶۰ و ۲۵ خرداد ۸۸ و تفاوت‌های آن‌ها

این روزها شاهد نوشتارها و گفتارهایی پیرامون سالروز رویداد تاریخی ۲۵ خرداد سال ۸۸ در رسانه‌های خبری ایرانی خارج از کشور و نیز بخش پارسی رادیو و تلویزیون‌های بیگانه هستیم.

لازم به یادآوری است که در تاریخ سی و سه ساله استقرار جمهوری اسلامی بر میهن بلا دیده‌ما، دو روز تاریخی ۲۵ خرداد» وجود دارد، یکی ۲۵ خرداد سال ۶۰ و دیگری ۲۵ خرداد سال ۸۸.

از آنجا که امکان دارد شمار زیادی از شرکت‌کنندگان در تظاهرات ۲۵ خرداد ۸۸، به ویژه جوانانی که به مخالفت با ادامه حکومت استبداد مذهبی دلاورانه به میدان مبارزه گام نهادند، از آنچه در رویداد تاریخی ۲۵ خرداد سال ۶۰ اتفاق افتاد و علت و انگیزه‌های آن آگاه نباشد به ویژه آنکه متأسفانه در این سه سال گذشته رسانه‌های خبری تنها به یادآوری و بررسی رویداد ۲۵ خرداد ۸۸ می‌پردازن، از این رو برای آنکه جایگاه تاریخی رویداد ۲۵ خرداد ۶۰ بدست فراموشی سپرده نشود (که سعی در فراموشی کردن آن می‌شود) لازم می‌دانم به این رویداد تاریخی که از دید من نقطه عطفی در مبارزات آزادیخواهی ملت ایران بوده، اشاره کرده و تفاوت‌های آنرا با رویداد تاریخی ۲۵ خرداد ۸۸ بیان کنم.

اوایل خرداد سال ۶۰ جبهه ملی طی ارسال نامه‌ای به وزیر کشور جمهوری اسلامی محمدرضا مهدوی کنی، درخواست برگزاری یک گردهمایی در ورزشگاه امجدیه یا محمد نصیری را کرد. در نامه اشاره شده بود جناحه پس از سپری شدن پانزده روز از تاریخ ارسال این درخواست، پاسخی به آن داده نشود، جبهه ملی خود رأساً میدان فردوسی را به عنوان محل برگزاری گردهمائی تعیین و به آگاهی مردم خواهد رساند. لذا چون پس از منقضی شدن مدت ۱۵ روز از سوی وزارت کشور اسلامی پاسخ مثبت یا منفی به نامه داده نشد، جبهه ملی میدان فردوسی را برای برگزاری گردهمائی در روز ۲۵ خرداد تعیین و به آگاهی مردم رساند.

دعوت نامه شرکت در این راه پیمانی برای چهار روزنامه پر تیار آن روز: کیهان، اطلاعات، میزان و انقلاب اسلامی بقیه در ص ۲

### در این شماره می‌خوانید:

- ۲۵ خرداد ۶۰ و ۲۵ خرداد ۸۸ ...

هوشنگ کردستانی

- برابری حقوقی برای شهروندان افغانی

کاوه هامونی

- بحربین در چنبره چالش‌های منطقه‌ای سختگوی جبهه ملی ایران

به مناسب زادروز دکتر محمد مصدق

- اویاما بیش از پیش به جنگ با ایران ...

- دروغ پردازی و دامن زدن به مسائل تیره‌های ایران ...

خبرهای ورزشی

- سروده‌ای از دکتر مصطفی بادکوبه‌ای

امید

جبهه ملی نگاهبان برابری همه اقوام، ادیان و مذاهب ایران است

مسالمت آمیز اکثریت شهروندان بحرینی برای احراق حقوق از دست رفته اشان صورت می‌گیرد.

بالاخره اتخاذ مواضع گزینشی و تبعیض جویانه از سوی شورای امنیت سازمان ملل و دولت های مدعی دفاع از آزادی در قبال مسئله بحران بحرین و حقوق برابر شهروندی سبب گردیده حکومت غیر متفاضلی آزادی و حقوق برابر شهروندی از این مسئله بحران بحرین بومی آل خلیفه و حکومت استبدادی و بنیادگرای عربستان سعودی با بی پرواپی تمام بر آن شده اند از طریق ایجاد اتحاد سیاسی بین دو کشور اصل صورت مسئله را پاک نمایند. به دیگر سخن خواست های اکثریت مردم بحرین را بروای تغییر وضع موجود در محاک فراموشی فرو بوند.

غافل از آنکه انجام هر اقدام و دسیسه ای تحت عنوان اتحاد سیاسی دو جانبه و چند جانبه پایستی:

۱- بر اساس حقوق مترقبانه بین الملل با در نظر گرفتن اصل آزادی تعیین سرنوشت مردم از یک سو و حقوق بشر و آزادی های اساسی از سوی دیگر در شرایط کاملاً آزاد از طریق آرای اکثریت مردم بحرین تحت نظارت سازمان ملل متعدد انجام گیرد.

۲- طرح اتحاد سیاسی از سوی حکومت استبدادی با توجه به سرشت متعارض با آزادی، دموکراسی و حقوق بشر را به چیزی جز تلاش غیر انسانی برای نفی حقوق و منافع اکثریت مردم بحرین نمی توان تعبیر نمود.

۳- اتحاد سیاسی مورد بحث در حقیقت تلاشی است برای حفظ و دوام اقلیت غیر بومی بر اکثریت بومی مردم بحرین که در واقع اقدامی است مغایر با اصول و اهداف منشور ملل متعدد، اصول مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق ملل به ویژه مبنای حقوق سیاسی و مدنی.

۴- اتحاد تحملی مورد بحث فرآیند نگران کننده ای از لحاظ صلح و امنیت منطقه ای در پی خواهد داشت و بی تردید منطقه را با بحران جدی مواجه خواهد ساخت.

۵- بی شک اتحاد مورد نظر نتایج ناطلوبی برای مردم بحرین از لحاظ آزادی حقوق اجتماعی و سیاسی خواهد داشت.

۶- با توجه به اینکه اتحاد مورد نظر تهدید جدی برای صلح و امنیت منطقه است و فراتر از آن فضای اختناق آمیز سیاسی و اجتماعی را بر جامعه بحرین مستولی خواهد ساخت، لذا شورای امنیت می پایست. جدا از موضع گزینشی قبلی، مسئله بحرین را مورد بررسی جدی و اساسی قرار دهد.

بقیه در ص ۷

### رویدادهای ۲۵ خرداد و ۶۰ و ۲۵...

بقیه از ص ۱  
فرستاده شد ولی این اطلاعیه نه به عنوان خبر و نه حتی به صورت آگهی در آن نشریات چاپ نگردید.

در اطلاعیه از مردم تهران خواسته شده بود که در اعتراض به آنچه که در کشور می گذرد و شرایط دردناک و غیر قابل تحملی که از سوی سردمداران اسلامی بر مردم شرافتمند و آزادیخواه ایران روا می شود روز ۲۵ خرداد در میدان فردوسی تهران گردیم آیند. همچنین از مردم شهروستان ها نیز خواسته شده بود که در میدان های اصلی شهرستان ها اجتماع نمایند.

انتشار اعلامیه گرد هم آتی، که با بازداشت توزیع کنندگان آن همراه شد، پی آمدهای مهم در پی داشت و باعث شد خمینی نقاب از چهره خود بردارد و ماهیت ضد ملی و ضد آزادیخواهی خود را آشکار سازد.

توقف شتابزده روزنامه پیام جبهه ملی و چند روزنامه دیگر، سرآغاز آشکار شدن چهره و سیرت واقعی خمینی شد.

رویدادهای دگرگون ساز بعدی یکی پس از دیگری و با شتاب و وحشت اتفاق افتاد. از جمله:

بقیه در ص ۳

### بحربن در چنبره چالش های منطقه ای

امروزه موضوع همگرایی اعم از دو جانبه، منطقه ای و خرده منطقه ای تحت هر عنوان می باشد بر اساس اصول، ضوابط و ارزش های مترقبانه حقوق و روابط بین الملل با در نظر گرفتن «اصل آزادی تعیین سرنوشت مردم از یک سو و حقوق بشر و آزادی های اساسی» از سوی دیگر در شرایطی کاملاً آزاد بوسیله آزادی استبدادی فردی از نوع نظامی، سلطنتی، جمهوری مادام العمر و موروثی و یا حکومت های مبتنی بر ساختارهای قبیله ای و خاندانی که متصف به ارزش های بنیادگرانه هستند، با اصول، ضوابط و ارزش های ناظر به جایگاه و نقش تعیین کننده مردم در برقراری نظام همگرایی نه تنها سازگاری ندارند، بلکه با نهوده و طرق انجام آن خواه رفراندم، همه پرسی و غیره نیز نظر و موضعی کاملاً مخالف دارند. به همین جهت اتحادیه های سیاسی دو سیاستی روز، که از سوی بخشی از این جوامع بر اساس ضرورت های سیاسی روز، که بدون رعایت ضوابط مردمی ایجاد گردید، کوتاه مدت و ناپایدار بوده است.

بی شک ماهیت بازدارنده نظام های استبدادی در رابطه با پذیرش ارزش های جهانشمول روز ناظر به آزادی، مردم سالاری و غیره موحد و موجب پدیدار شدن جنبش های مردمی برای تغییرات مسالمت آمیز وضع موجود و ایجاد همسویی و همسانی با ارزش های مترقبانه مردم بحث گردیده است که از جمله تجلیات بازز آن بروز خیزش های مردمی در شش کشور جهان عرب یا به دیگر سخن بهار عرب برای نیل به مقاصد مذکور بوده است. به ویژه پیروزی های اولیه جنبش مسالمت آمیز مردمی در تونس و مصر نه تنها زمینه ساز خیزش های مشابه در دیگر کشور های عرب گردید، بلکه با استقبال و حمایت گستردۀ جوامع مختلف و سازمان های بین المللی به ویژه شورای امنیت سازمان ملل متعدد روبرو گردید بطوریکه وقتی تقاضاهای مسالمت آمیز مردم لیبی با وکنش نظامی حکومت وقت روبرو گردید، شورای امنیت در مقام حمایت از موضع مردم اعمال نوعی دخالت نظامی را مجاز داشت. بی شک انتظار عمومی بر آن بود که سازمان ملل متعدد دولت های مدعی دفاع و حمایت از آزادی همین رویه و روش را درباره جنبش های مردمی مشابه در دیگر کشورهای عربی در پیش گیرند. ولی با شگفتی تمام ملاحظه و مشاهده گردید که شورای امنیت سازمان ملل متعدد و دولت های مذکور در رابطه با جنبش مسالمت آمیز مردم بحرین برای تعديل وضع موجود و پایان دادن به ادامه سلطه اقلیت غیر بومی بر اکثریت مردم این کشور خط مشی کاملاً گزینشی اختیار نمودند و حتی در قبال اقدامات سرکوبگرانه حکومت بحرین، همراه با مشارکت نیروهای اعزامی عربستان سعودی سیاست سکوت را در پیش گرفتند. فراتر از آن وقتی کمیسیون حقیقت یاب سازمان ملل متعدد برخلاف ادعای دولت بحرین و عربستان سعودی که جنبش مسالمت آمیز مردم بحرین را ناشی از تحریکات و دخالت های خارجی می دانستند، بر اصالت خود جوش و قانون مند جنبش مسالمت آمیز مردم بحرین صحه گذاشت، شورای امنیت گامی در جهت توبیخ، سرزنش و محکوم ساختن این ادعای مجھول برنداشت. و بالاخره اقدامات سرکوبگرانه نیروهای عربستان سعودی در بحرین به استناد بیمان همکاری های امنیتی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس عاری از مبنای حقوقی بوده است. زیرا این اقدامات در قبال تجاوز مسلحانه از سوی یک قدرت خارجی نبوده بلکه علیه خواست های

بمناسبت زادروز مصدق بزرگ

## وجودی دهد روشنایی به جمع که سوزیش درسینه باشد چو شمع

سخن سعدی، یکی از بزرگان ادب ایران را، بهنگام با زادروز مصدق بزرگ، دروز بیست و نهم اردیبهشت، به باری گرفتم، واژ آن گرد دوران ساز یاد می کنم، که نماد «استقلال» بود و راهنمای گردانی دیگر که در آسیا و آمریکای لاتین و آفریقا راه او را در پیش گرفتند، تا سونوشت سوزمین خود را از چنگال جهان خواران و سربه دامن بیگانه بستگان به درآورند، و همچون ملتهای آزاد جهان، سرنوشت سوزمین خود را در دست گیرند و اجازه ندهند سوزمینشان مورد دستبرد یغمگران افتد، که پایمال کننده حقوق، و چپاول منافع ملی، وتاراج دست رنج زحمتشان آن سوزمینها را دنبال داشتند؟

وجود مصدق و روشنایی بخش به جنبش‌های رهایی بخش سوزمین خود و دیگر ملت‌های زیر ستم برده شده، از آن جهت بود که سوزیش درمینه بود و همواره الهام بخش شد و میباشد، که تنها و تنها رهایی سوزمین خود را به دست ملت تاریخ ساز خود می دانست و هرگز دست گذاشی به سوی این قدرت ویا آن تجاوز گرداران نکرد و اینگونه، نه تنها برای هم میهنان خود، که برای همه‌ی آزادگان جهان نماد «استقلال، آزادی، ودادگریهای اجتماعی» بشمار آمد و درسینه تاریخ پایا ماند و راهش پاینده خواهد بود.

آن کسانی که رهبرانشان دست به سوی بیگانه دراز کردند تا بوسیله قدرت نشینند، در دور و نزدیک، باید بدانند که هرگز نمی توانند خود را به دامن این پاکمرد به چسبانند، اگرچه فرزند و نوه‌ی نسی او باشد و یا در گذشته از او سخن میگفتند بی آنکه به ارزش‌های «ملی مردمی» آن بزرگمود تاریخ ایران سوزمین پی بری داشته باشند؟

بزرگمردی که بزرگان جهان، بزرگش شمردند و راهنمای خود، او را خوانندند، و تکیه به دست آورده هایش، دریشه های «استقلال، آزادی و دادگری های اجتماعی» پشگامش دانستند. لذا وابستگان به اردوگاه سرمایه داری دولتی ی به غلط «شوری» خوانده شده، و بادست گدایی رهبرانشان به سوی «صدام حسین» که، زیر نام «قادسیه دوم» به ایران پیوش آورد و بخشی از سوزمین ایران را اشغال نمود، هرچند که بیاری ارتضیان دلیرپیرون رانده شدند، نمی توانند دامن آلوده‌ی خود را بدینگونه با چسباندن خود به آن بزرگمود، بزدایند؟

لذا هشدار، چه به آنانی که از اعضا حزب توده و بمانندان رهبرانشان، جیره خوار گاگ، بودند، و چه به خلط آمدگانی که رهبر و مستول آنها، مزدوران «صدام حسین» گشتند، بدانند که به مصدق بالیدن و به خود چسباندن، اگرچه آسان خواهد بود، اما هرگز چو او زیستن و توان ادامه راهش را ادعای کرد، سخنی است پوچ و آب درهاؤن کوبیدن، که آینین و راه مصدق، بیگانگی همه جانبه داشته و دارد با راه و رسیم سربه بیگانه سپرده گان!

در پایان زادروز آن بیگانه‌ی دوران را به همه‌ی آزادگان ایران و جهان زیر ستم، شاد باش میگوییم و راهش را همواره گرامی میدارم، باشد تا در پرتو راه دوران سازش، ایران در چنگال «استبداد، استعمار و ارتیحاع» گیر کردد، رهایی خود را به دست آرد، و به خواسته‌های تاریخی «اجتماعی سیاسی» اش برسد.

## در سوگش غمگنانه‌های میهن را به گویستان خواهیم نشست

آنگاه که سخن از وطن به میان می آید بی درنگ جغرافیای سوزمینی در ذهن انسان ایرانی نقش می بندد که اندیشه او را به رازهای آفرینش این نیا خاک به دست یکتا پروردگار هستی می کشاند. و هر گاه سخن از ایران می شود باید دانست و آگاه بود که وطن، البرز کوه و دماوند، تفتان و زاگرس و دریای مازندران و خیلچ پارس و کویر تفت دیده اش در کنار فرزندانش معنا می یابد و به تعییری خاک و خون، آفریننده وطن در سپهر اندیشه انسان ایرانی است. و چه خونها در راه از این سوزمین که ریخته شد و چه تن های ستایش بر انگیزی در دل خاک میهن آرامش گرفت، گویی که کودکی در آغوش مادر به آرامش می رسد.

مکتب پان ایرانیست چندی پیش در اندوه جانکاه، گواه آرامش گرفتن "سرور حسنعلی صارم کلالی" در آغوش مام میهن بود و اینک در خبری ناگوار در گذشت.

"محمد لشکری" یکی دیگر از رهروان مکتب پان ایرانیسم را غمگنانه به سوگ می نشیند.

شادروان محمد لشکری از اندامان بنیانگذار "سازمان پرچم‌داران" بر بنیان مکتب پان ایرانیست و از همزمان زنده باد "محمد مهرداد منوجهرتیسوار" بود که دوشاش دوش "داریوش فروهر و حزب ملت ایران" مبارزات میهن پرستانه ای را در کارنامه خود به ثبت رسانده است.

در گذشت این مبارز میهنی را به پیروان مکتب پان ایرانیسم و رهروان راه "پیشوای مصدق بزرگ" نسلیت گفته و به خانواده گرامی آن بزرگ مرد دل آرامی می دهیم. باشد که نام "محمد لشکری" همچو نام میهن پرستان دیگر در تاریخ این سوزمین جاودانه گردد.

روانش شاد خسرو سیف، تهران / شامگاه ۲۰ خرداد ۱۳۹۱

## رویدادهای ۲۵ خرداد و ...

بقیه از ص ۲

- حرام اعلام شدن هرگونه اعتصاب و بستن مغازه ها
- منوع شدن برگزاری هرگونه گردهمائی یا راهپیمایی از سوی آزادیخواهان

- محکوم کردن گردهمائی جبهه ملی و بازداشت سران آن
- لغو سیست فرماندهی کل قوا از بنی صدر رئیس جمهور اسلامی و سرانجام مرتد اعلام کردن ملی گرایان یعنی عاشقان سوبلندي و عظمت ایران توسط خمینی در روز برگزاری گردهمائی.

به دلیل دستیابی عوامل نفوذی آخوند پهشتی که مرد قدرتمند آن روز نظام بود به قطعنامه گردهمائی که در آن آمده بود: نظام جمهوری اسلامی به دلیل جناباتی که انجام داده است فاقد پایگاه مردمی و مشروعیت قانونی است ... سردمداران اسلامی که خطرو را احساس کرده بودند دست به دامان خمینی شدند تا برگ آخر خود را رو نمایند.

در ۲۵ خرداد سال ۸۸ که چند روز پس از اعلام نتیجه انتخابات ریاست جمهوری اسلامی به صورت خودجوش شکل گرفت، مردم در اعتراض به آن گروه از مفسران و از بامداد روز ۲۵ خرداد رادیو ایران با قطع برنامه های عادی خود به پخش نطق خمینی پرداخت که در آن ملی گرایان را مرتد اعلام کرده و گفته بود در اسلام مرتد از کافر بدتر و خونش حلال است و از امت همیشه در صحنه خواسته بود که به میدان آمده و از اسلام عزیز دفاع نمایند. در ضمن از همه سازمان های سیاسی خواسته بود تا دیر نشده عدم شرکت خود را در این گردهمائی اعلام کنند و رادیو را موظف کرده بقیه در ص ۶

## اوبارا میش از پیش به جنگ با ایران گوایش

پیدا می‌کند

سردبیر وب سایت «آنلاتیک» هشدار می‌دهد که اتخاذ چنین موضعی از سوی دولت آمریکا عملًا راه را بر حل بحران هسته‌ای ایران مسدود خواهد کرد. حقیقت این است که موضع واقعی سران دولت اسرائیل این است که ایران به هیچ وجه، به هیچ شکل و در هیچ حدی نباید اجازه غنی سازی اورانیوم را داشته باشد.

در صورتی که آن طور که هیلاری کلینتون، وزیر خارجه آمریکا، سال گذشته صراحتاً اعلام کرد، «موضع جامعه بین الملل و دولت آمریکا این است که ایران در صورت رعایت تعهدات و پذیرش بازارسی های همه جانبه می‌تواند از حق و خود برای ادامه غنی سازی اورانیوم بهره مند باشد». سیاست فعلی دولت آمریکا در مذاکرات هسته‌ای که تحت تأثیر هراس از ناخشنودی اسرائیل و طرفداران آن عملًا فلجه شده است، به دو شکل می‌توان به جنگ بینجامد.

احتمال اول حمله نظامی اسرائیل به ایران در پاییز سال جاری و در عمل کشیده شدن آمریکا به این جنگ است. هر چند بسیاری از تحلیل گران، از حمله خود من، وقوع این حالت را تقریباً بعيد می‌دانند، رهبران اسرائیل به خوبی می‌دانند که باراک اوباما قبل از شروع انتخابات ریاست جمهوری به نسبت حالت احتمالی پیروزی در آن موضع ضعیف تری دارد و راحت‌تر می‌توان وی را به مشارکت در جنگ اسرائیل علیه ایران کشاند.

دو احتمال می‌تواند از وقوع چنین حالتی پیشگیری کند: یکی پیشرفت چشمگیر در مذاکرات هسته‌ای با ایران است که بهانه را از اسرائیلی ها بگیرد. و دیگری این است که اگر نتایج نظرسنجی های قبیل از انتخابات آمریکا نشان دهد که میت رامنی واقعاً به پیروزی خواهد رسید در آن صورت رهبران اسرائیل ترجیح خواهند که صبر کنند و در دوره زمامداری آقای رامنی به جنگ با ایران بروند.

سردبیر «آنلاتیک» در پایان این تحلیل یادآوری می‌کند که باراک اوباما به عنوان رئیس جمهور آمریکا از قدرت فراوانی بواری کاهش احتمال وقوع جنگ با ایران برخوردار است. ولی چرا چنین کاری نمی‌کند؟ شاید او فکر می‌کند که در صورت تضییع موقعيت در انتخابات، میت رامنی به پیروزی خواهد رسید و او حتماً جنگ با ایران را آغاز خواهد کرد. بنابراین احتمالاً پیشترین راه پیشگیری از چنین جنگی انتخاب مجدد وی به مقام ریاست جمهوری است.

ولی نایاب اصل را بر این گذاشت که غیر از تأثیرپذیری از گروههای طرفدار اسرائیل هیچ راه دیگری برای حفظ موقعيت سیاسی باراک اوباما وجود ندارد. اگر آمریکا بتواند در ماه های آینده در مذاکرات با ایران به موقعيت برسد، اگر ایران غنی سازی اورانیوم بیست درصدی را متوقف کرده و ذخایر اورانیوم خود را به خارج منتقل کند، امام آمریکایی ها، چه یهودی و چه غیر یهودی، از بروطفر شدن احتمال جنگ و پیشگیری از هسته‌ای شدن ایران خشنود خواهند شد.

باید در نظر داشت که اوباما حتی با حدی از مخالفت و انتقادهای لایی های طرفدار اسرائیل می‌تواند در انتخابات ریاست جمهوری آینده آمریکا به پیروزی برسد. باید راههای درست چنین استراتژی را در پیش گرفت و بی جهت در میزان نفوذ و قدرت لایی های طرفدار اسرائیل اغراق نکرد. \*

رابرت رایت، سردبیر ماهنامه آمریکایی «آنلاتیک»، در تحلیلی از تازه‌ترین موضع گیری‌های دولت آمریکا و افت و خیزهای مذاکرات هسته‌ای اخیر با ایران می‌نویسد که یک تحول سیاسی در پایتخت آمریکا که بیش از همه پنهان نگاه داشته است آن است که باراک اوباما در سال انتخابات ریاست جمهوری آمریکا یعنی سال جاری اجازه نمی‌دهد که سیاست خارجی این کشور بیش از پیش به سمت جنگ با ایران سوق پیدا کند.

زمینه‌ها و اساس این گزارش بر کسی پوشیده نیست. هنوز هم این امکان وجود دارد که باراک اوباما شناس موقعيت مذاکرات هسته‌ای و توافق با ایران را افزایش دهد، ولی ظاهراً او تصمیم گرفته است که این‌گونه اقدام‌ها باعث تضییع موقعیت وی و کاهش احتمال پیروزی او در انتخابات آینده ایالات متحده خواهد شد. در این میان نکته مثبت این است که محاسبات باراک اوباما ممکن است نادرست باشد. فشارهایی که او نگران آن‌ها است و عمدتاً از سوی دولت اسرائیل و لایی های طرفدار این کشور در آمریکا حبس می‌زند نیزمند و تأثیرگذار نیاشد. رئیس جمهور آمریکا حبس می‌زند نیزمند و تأثیرگذار نیاشد. و در عین حال دستاوردهای پیشبرد یک سیاست موفق بدون توجه به این فشارها ممکن است بسیار بیشتر از آن چیزی باشد که آقای اوباما فکر می‌کند.

اما فرض کنیم که محاسبات سیاسی آقای اوباما و توجه به فشارهای طرفدار جنگ با ایران درست باشد. در آن صورت باید گفت که روی آوری آمریکا به جنگی دیگر و به خطر انداختن امنیت آمریکا به خاطر چند درصد رأی بیشتر در انتخابات ریاست جمهوری روش شرم آور و بحث‌انگیز است. اما شرم آور تراز این فضای سیاسی و انتخابات آمریکاست که در آن افکار عمومی و سیاستمداران یک چنین روش‌هایی را می‌پذیرند.

سردبیر «آنلاتیک» می‌افزاید که قبل از شروع مذاکرات هسته‌ای اخیر با ایران مقامات ارشد در دولت آمریکا به اسرائیل و لایی های طرفدار اسرائیل تضمین داده اند که به هیچ‌وجه تحریم‌های شدید آمریکا علیه ایران در مسیر پیشبرد مذاکرات فدا نخواهد شد. شاید به همین خاطر است که در مذاکرات بغداد آمریکا و متحдан آن کشور در برابر پیشنهادهای ایران حاضر نشدنند هیچ‌گونه امتیازی بدنهند و منطقه را از نشیدن نش و احتمال خطر جنگ نجات دهند.

معضل اصلی مذاکرات و بحران هسته‌ای ایران ظاهراً غنی سازی اورانیوم با غلظت بیست درصد است که هنوز تا تولید اورانیوم برای رسیدن به موز تولید بمب هسته‌ای را کاهش می‌دهد. اما در مذاکرات بغداد آمریکا و متحдан این کشور حاضر نشدنند در برابر قطع این نوع غنی سازی ها در ایران تحریم‌ها علیه آن کشور را کاهش دهند.

برخی از صاحب نظران معتقدند که دولت آمریکا رؤوس و محورهای پیشنهادی و شرایط خود در مذاکرات هسته‌ای با ایران را به شکل تنظیم کرده و پیش می‌برد که با خواسته‌ای لایی های طرفدار اسرائیل تنافضی بیدا کنند. اما یک چنین محدودیت‌هایی در شروط مذاکره و چهارچوب امتیازی قابل مذاکره عملًا نقض غرض است و مذاکرات به بنیست می‌کشاند.

بیانیه ۶۰ تن از فعالان سیاسی و فرهنگی (درون و برون مرز) در اعتراض به سیاست های ضد ایرانی صدای امریکا و بی بی سی

این کینه وزی و دشمنی با ارزش های ملی و تمامیت سرزمینی ایرانیان است.

صدای امریکا در کنار بنگاه دروغ پراکنی بی بی سی چندیست در اقدامات دائمه دار خود در جهت اختلاف افکنی بین ایرانیان مبدل به تربیون عده ای از عناصر ضد ایرانی و فاقد هر گونه پایگاه مردمی شده است.

دعوت از عناصر فاقد وجاہت و هویت سیاسی و دروغ پردازی توسط این اشخاص در زمینه حقوق هم میهنان عرب زبان ما و به کاربردن نام های جعلی درباره استان خوزستان، گواهی است بر این دسیسه های هدفمند و دائمه دار که نه تنها در راستای کمک به دموکراسی و حقوق بشر در ایران نیست بلکه به اشکال گوناگون موجبات پایمال شدن حقوق به حق ایرانیانی است که سالیان متعددی وظیفه خطیر پاسداری از مرزهای میهن را بر عهده و برایرانی بودن خود تأکید داشته اند. و اینگونه رفتارهای قوم پرستانه و شوونیسم گونه، جز پراکندن تخم نفرت نتیجه ای دیگر در برخواهد داشت.

و جای بسی افسوس است که گویندگان و کارکنان این رسانه ها که به زبان مادری خود یعنی پارسی سخن می گویند فاقد هر گونه حس میهن دوستی و پایبندی به ارزش های ملی می باشند و خود مبدل به ابزار بیگانگان برای ضربه زدن به منافع کشورشان گشته و از ایرانی بودن جز زبان و شناسنامه ایرانی هیچ ندارند.

ما فعالان سیاسی و فرهنگی اعضاء کننده، ضمن محکوم نمودن اقدامات ضد ایرانی صدای امریکا و بی بی سی هشدار می دهیم که دروغ پردازی و دامن زدن به مسائل قومی در ایران آتشی را خواهد افروخت که هزینه آن برد و شد ملت ایران تحمل شده و از گرمای این آتش خانمان برانداز بیگانگان نیز بی بهره نخواهد بود. چو اینکه اگر قرار باشد تمامیت سر زمینی ایران به خطر بیافتند ملت یکپارچه ایران دست روی دست نخواهد گذاشت و به اثبات تاریخ، هزاران سال است که این ملت، ایران و ایرانیت را با تمام وجود خوبیش حفظ نموده و با توانی دو چندان در برای اقدامات خانمان برانداز ایستادگی و سزا دشمنان را به بهترین شکل خواهند داد. اگر چه دشواری ها و محدودیت های موجود بر سر مردمانش سایه انداخته اما در بنگاه پاسداری از میهن و ارزش های ملی لحظه ای درنگ را برخود روا نمی دانند.

۲۵ خرداد ماه ۱۳۹۱ خورشیدی  
باينده ايران

بیانیه ۶۰ تن از فعالان سیاسی و فرهنگی (درون و برون مرز) در اعتراض به سیاست های ضد ایرانی صدای امریکا و بی بی سی

## دروغ پردازی و دامن زدن به مسائل تیره های ایرانی را به شدت محکوم می کنیم

۲۵ خرداد ماه ۱۳۹۱ خورشیدی  
هم میهنان

در شرایطی که میهن ما در طی سالیان سال همواره مورد تجاوز و دسیسه های بیگانگان بوده شاهد آن هستیم که این دسیسه ها تمامی نداشته و هر روز در گوشه گوشة کشور عزیزمان بیگانگان در حال شکل دادن توطئه ای برای ایجاد چند دستگی و گستاخ همبستگی ملی و تاریخی کشورمان ایران هستند. کشوری که هزاران سال تیره های مختلف ساکن در آن بدون داشتن کوچکترین مشکلی به مسالمت زیسته و همواره بر ایرانی بودن خود افتخار و تاکید نموده اند.

اما آن هنگام که پای غربیان و بیگانگان به این سرزمین باز شد استعمار برای رسیدن به مقاصد شوم خود لحظه ای نیز از دامن زدن به اختلافات قومی و مذهبی در ایران از پای ننشست و هر روز ترفندی نو برای زمینگیر نمودن ایران و ایرانی به کار بست.

که نمونه های درد آور این دسیسه ها را در جدا نمودن ۱۷ شهر فرقان از ایران و بحرین و قصبه فیروزه در دوران اخیر می توان مشاهده نمود. که بی لیاقتی زمامداران وقت در کنار توطئه استعمارگران موجب شد تا ایرانی ترین سرزمین های این مرز و بوم از مام میهن جدا شوند.

روسیه تزاری و شوروی کمونیستی در کنار انگلستان واستعمار نوین آمریکا آنچنان ضریبه ای بر پیکره تومند و یکپارچه میهن زندگانه ای این جفاها رفته بر سرزمینشان را از یاد نخواهند برد.

این روزها نیز حقوق بشر ایزازی و ملت سازی و دامن زدن به اختلافات قومی سیاست روز دشمنان ایران شده است.

تاریخ سازی و ترسیم جغرافیای خیالی و به کار بردن اسامی جعلی و حمایت های گسترشده ملی و رسانه ای فقط پاره ای از اقدامات دشمنانه آمریکا و انگلستان درابطه با ایران در سال های اخیر بوده است که بازوی رسانه ای فارسی زبان آنان صدای امریکا و بی بی سی، در این زمینه نقشی اساسی ایفا می کنند.

شوریختانه نقش رسانه های به ظاهر مستقلی همچو صدای امریکا و بی بی سی در راستای دامن زدن به اختلافات بین تیره های ایرانی و جعل نام خلیج پارس به شکلی وقیحانه و علی‌الله در ماه های اخیر خود گویای عمق

### رویدادهای ۲۵ خرداد ۶۰ و ... بقیه از ص ۳

بود که اعلامیه های آن ها بطور مرتب پخش نمایند. ترس و حشمتی که از سخنان آن روز خمبینی استباط می شد، شکل تازه ای به مبارزه و روحیه امیدوار کننده ای به شیفتگان آزادی و استقلال می داد و ایران یک بار دیگر روز بزرگی را در تاریخ مبارزات آزادیخواهانه به نمایش می گذارد و برگ تازه ای در دفتر مبارزات ملی می گشود.

بعد اندیشه ای و آرمانی جبهه ملی که بسیار گستردگ تر و فراتر از بعد سازمان آن عمل کرده و شگفتی ها آفریده است یک بار دیگر ابعاد و عظمت خود را به نمایش گذارد.

شوریختانه بسیاری از گروه ها و شخصیت های سیاسی ملی با آنکه آزادیخواهی جزء آرمان هایشان محسوب می شد به دلیل ترس از غصب «امام» و یا به دلایل اعلام نشده دیگر، عدم شرکت خود را در گردهمایی اعلام کرده و با صدور دستور سازمانی از شرکت در گردهمایی خودداری نمودند و بدین ترتیب در برابر این رویداد بزرگ ملی که در حال شکل گیری و شکوفائی بود ساخت مانندند. عجیب آنکه سازمان مجاهدین خلق که با صدور یک دستور تشکیلاتی مانع شرکت اعضاء خود در این گردهمایی شدند، در روز ۳۰ خرداد شتابان به خیابان ریختند و بهانه لازم برای یک سرکوب خونبار و کشتار خونین را که سردمداران نظام قصد داشتند در ۲۵ خرداد راه بیندازند و موفق نشدند به دست آنان دادند.

در برابر این دعوت جبهه ملی که تنها از سوی نیروهای اصیل و پیروان نهضت ملی در نهضان و مراکز استان ها و شهرهای بزرگ قرار گرفت، حزب الله نیز بیکار نماند و با تمام نیرو به میدان آمد. درس بزرگ این حرکت آزادیخواهانه که هاداران آن پیش از برگزاری و روزهای پس از آن مورد هجوم عوامل سرکوبگر نظام قرار گرفتند آن بود که متأسفانه در آن روز همه آزادیخواهان و نیروهای ملی گرا به میدان نیامده بودند ولی همه نیروهای سرکوبگر در برابر آن ها بسیج شده بودند. شوگمندانه بوخی از سازمان های سیاسی که تا آن روز به ماهیت واقعی استبداد مذهبی پی نبرده بودند در گردهمایی شرکت نکردند.

در ۲۵ خرداد سال ۶۰ خواست های مردم پایان بخشیدن به عمر استبداد مذهبی و استقرار نظامی مردم سالار بود، از همین رو خمینی و اطراقیان او دچار وحشت شده بودند. از آن تاریخ تا کنون آزادیخواهان ایران به ویژه شیرازن، جوانان، دانشجویان، کارگران و فرهنگیان از پای نشسته و دلاورانه برای تحقق خواست هایشان به مبارزه ادامه داده اند.

سازمان های سیاسی که آنان را نشویق به رفتان پای صندوق های رأی گیری کرده و تضمین داده بودند که رأی هایشان خوانده خواهد شد و به حساب خواهد آمد به خیابان ها ریختند و شعار «رأی من کجاست» سر دادند. نامزدهای شکست خورده در انتخابات از شکل گیری این جنبش ملی و مردمی که به جنبش سبز معروف شد پیش از کاربیستان نظام دچار وحشت و نگرانی شدند. آن ها با کشاندن مردم به میدان آزادی، حضور میلیونی مردم را در تهران و شهرستان ها برای اجرای قانون اساسی – یعنی همان قانون اساسی که ۲۸ سال پیش محدود اعلام شده بود – و بازگشت به دوران طلایی انقلاب – یعنی اوج قدرت امام و دوران وحشت بزرگ تاریخ ایران – بسیج نمودند.

تجسم کنیم چنانچه نهضت آزادیخواهی ملت ایران در ۲۵ خرداد سال ۶۰ پیروز می شد امروز در کجا بودیم و اگر سردمداران جنبش سبز پیروز می شدند در کجا قرار داشتیم. در شرایط نخست ملت ایران برخوردار از آزادی بود و صاحب نظامی مردم

**برابری حقوقی برای شهروندان افغانی ایرانی** بقیه از ص ۱  
دادن چنین حقی ب باشندگان رنگارنگ سوزمینشان، افتخاری است که نشان در دانائی و فرهنگ پیشرفته شان دارد.

درست از همین دیدگاه است که ما ایرانیان برابر حقوق با شهروندان سوزمین های میزبان، خواهان این سوابلنده برای مردم سوزمین خودمان نیز هستیم. آنهم درباره مهاجرانی که بخشی از آنان پیش از انقلاب اسلامی سال ۱۹۷۹ در ایران جایگزین شده اند. این مهاجران، سخت نوبن کارها را پذیرفتند. بدترین دشمن ها را از عقبمانده ترین ایرانی ها شنیده اند. زبان، فرهنگ و تاریخ یگانه ای هم با ما دارند.

حال اگر این همسایگان میهمان ما از بد روزگار به ایران پناه اورده اند و هنوز از برابری حقوق شهروندی برخوردار نیستند، برجسته ترین نشانه عقبمانندگی فرهنگی، سیاسی، اجتماعی مردم و پایوران حکومتی ایران است و نه گناه آنان. بگذرد این را هم یاد آور شویم، آن بخشی از همسایگان افغانی به ایران پناه اورده اند که نسبت به پشتون ها، به ما نزدیکترند. هزاره ها، تاجیک ها و ترکمن ها به سوی ما و پشتون ها که تازه آن ها هم نسبت به همه دنیا به ما نزدیکترند به پاکستان رفتند.

اروپایی ها و آمریکایی ها هم بر پایه همین فرهنگ پیشرفته و دانائی شان منتشر حقوق پسر را پایه گذاری کرده اند. به کسانی که کمترین نزدیکی را با آن ها دارند حقوق شهروندی می بخشنند. فرزندان ما را بدون چون چرا به رایگان به دبستان و دبیرستان می فرستند. بیمه پهداشتی، خانه و خوارکمان می دهند. ولی ما به فرزندان همزبانان و نزدیکترین مردم این جهان با تاریخ و فرهنگ مان، اجازه تحصیل نمی دهیم. هیچ دادگاهی از حقوق آنان در ایران پشتیبانی نمی کند. ازدواج مردان افغانی با زنان ایرانی به رسمیت شناخته نمی شود. فرزندان برآمده از این گونه زنانشوبی ها به گونه ای حرامزاده به شمار می روند. ارث می بردند. از بیمه پهداشتی، پارانه و آموزش رایگان برخوردار نیستند.

افغانی های مهاجر در باران در بدترین شرایط حقوقی زندگی می کنند و مردم ما، حتی دانش آموختگان و لایه های میانی ... از کنار چنین فاجعه غیر انسانی می گذرند و هر جا که پا بدهد با دستمزد کمتر آنان را به بیگاری می کشند. بگذریم از اینکه عقبمانده ترین پایوران حکومتی تا روشنگران مدرن، نه تنها مولوی بلخی را ایرانی را ایرانی می دانند که بخش بزرگی از افغانستان کنونی را به درستی همان خواسان بزرگ می شناسند. دل چرکین از آنند که استعمار آن زمان انگلیس و خیانت دربار قاجار این بخش را از نام میهین جدا کرده است.

ما ایرانی ها که پس از گذشت ۲۵۰۰ سال هنوز با ده غصب می اندازیم و کوشش را نخستین دادرس و نگارنده حقوق پسر می داییم، پاسخ وجدان خود را چگونه می دهیم که هم میهنان زمان کوشش مان پس از پیش از سی سال هنوز با ما در همین حقوق ناچیز شهروندی برابر نیستند. حقوقی که به گواه جنبش سبز، نارسا، عقبمانده و قرون وسطائی است. ولی از اروپایی ها و آمریکایی ها می خواهیم تا مهاجران ایرانی را با خود در حقوق شهروندی پیشرفته شان برابر بدانند. از این رو، ما گروهی از ایرانیان مهاجر با امضا و پخش این فراخوان، از همه هم میهنان مان می خواهیم تا کارزار برابری حقوق شهروندی برابر مهاجران افغانی را در دستور کارشان قرار دهنند. باشد که دست کم بدبونسله خود را از انهام همراهی و همگامی با نزدیکترستی دینی حکومتگران ایران تبرئه کنیم.

**نشریه:** هم میهنان ارجمندا فراموش تکنیم در این تاریک شب تاریخ افغانستان، خواهان و برادران افغانی ما، پناهگاهی جز ایران ندارند. ایران مان را از آنان دریغ نداریم

بقیه در ص ۸

## فرهنگ درخشنان ایرانی، دستآورده تلاش همه ایرانیان و جزئی از هویت آن ها است

## شیرنای ورزشی

زنیرو بود مرد را راستی

ز سستی کثی زید و کاستی  
فردوسی

### قهرمانان گشتی آزاد ایران قهرمان آسیا

جوانان گشتی آزاد ایران با کسب ۴ نشان طلا، ۳ نقره و یک برنز با کسب ۷۵ امتیاز به شایستگی به قهرمانی آسیا رسیدند. این مسابقه ها در شهر آلماتی (قزاقستان) برگزار شد.

در ۵۵ کیلوگرم فرزاد عموزاده نشان برنز - در ۶۰ کیلوگرم آرش دنگرکن نشان طلا - در ۶۶ کیلوگرم علی اصغر جبلی نشان طلا - در ۷۴ کیلوگرم علی شفیع زاده نشان نقره - در ۸۴ کیلوگرم محمد جواد ابراهیمی نشان طلا - در ۹۶ کیلوگرم احسان زندیه نشان نقره - در ۱۲۰ کیلوگرم عبدالله قمی نشان طلا و حمید خلیلی نشان نقره

### مقام سوم مشت زنی برای ایران

در مسابقه های بین المللی مشت زنی که در روسیه برگزار شد تیم مشت زنی ایران با کسب یک نشان طلا و دو نشان برنز در جایگاه سوم قرار گرفت. در این مسابقه ها احسان روزبهانی نشان طلا و امین قاسمی بور و عالی مظاہری نشان برنز گرفتند.

### ایران قهرمان تکواندو دانشجویان جهان

مسابقه های تکواندو دانشجویان جهان که در کره جنوبی برگزار شد قهرمانان تیم دانشجویان ایران با کسب سه نشان طلا و سه برنز به قهرمانی جهان رسیدند. تیم کره جنوبی با دو نشان طلا، دو نقره و دو برنز دوم و تیم ترکیه با دو نشان طلا و دو برنز سوم شدند.

### پهلوانان فرنگی کار ایران قهرمان جهان

تیم گشتی فرنگی جوانان ایران در مسابقه های قهرمانی آسیا که در شهر آلماتی (قزاقستان) برگزار شد با کسب ۴ نشان طلا، ۲ نقره و دو برنز سرافرازانه به مقام قهرمانی آسیا رسید. فرنگی کاران جوان ما در این دوره از مسابقه ها در تمامی وزن ها صاحب نشان شدند و با کسب ۷۴ امتیاز بار دیگر قهرمانی آسیا را از آن خود نمودند. مهرداد مردانی، مهدی زیدوند، سامان نوروزی و مهدی پورشیخ نشان طلا، بهنام مرادی و پیام بویری نشان نقره، اشکان قلی بور و مجید علی باری نشان برنز گرفتند. در این دوره از مسابقه ها تیم قزاقستان دوم و قرقیزستان سوم شد.

### پیروزی تیم معلولان در مسابقه های آلمان

کاروان ورزشی معلولان ایران در مسابقه های بین المللی دو میدانی که در آلمان برگزار شد به کسب ۹ نشان طلا، شش نقره و یک برنز دست یافتند.

جواد مردانی دارای دو نشان طلا و محسن کائیدی دو نشان طلا بدست آوردند. عبدالرضا جوکار، جلیل باقری، کامران شکری سالاری، جلال خاکزادیه و پیمان نصیری نیز هر کدام صاحب یک نشان طلا گردید.

نشان های نقره این مسابقه ها توسط سلمان آب باریکی، مرضیه صدقی، اعظم خداباری، فرزاد سهوند و علی محمد باری بدست آمد. مهرداد کرم زاده به نشان برنز دست یافت.

### تیم ملی کاراته ایران قهرمان جهان

قهرمانان کاراته ایران با کسب چهار نشان طلا، شش نقره و هفت برنز در هر دو بخش مردان و زنان برای نخستین بار به قهرمانی جهانی رسیدند.

پس از تیم ملی کاراته ایران ژاپن با چهار نشان طلا، دو نقره و چهار برنز دوم شد. فرانسه با سه نشان طلا و دو برنز به مقام سوم رسید، کره جنوبی و اندونزی به ترتیب چهارم و پنجم شدند.

در وزن منتهای ۶۷ کیلوگرم مردان، سعید احمدی و حامد زیگساری با برتری مقابل حریفان خود در فینال رو در روی هم قرار گرفتند که در پایان احمدی با غلبه بر زیگساری نشان طلا را از آن خود کرد و زیگساری نقره ای شد.

در سنگین وزن بانوان هم مдал های طلا و نقره بین کاراته کاران ایران تقسیم شد. حمیده عباسعلی و الهه رضا زاده دو نماینده کاراته ایران در وزن به اضافه ۶۸ کیلوگرم با پیروزی مقابل حریفان خود در فینال مقابل هم قرار گرفتند که عباسعلی با برد مقابل رضا زاده به نشان طلای لیگ جهانی دست یافت و رضازاده نقره گرفت.

**بحرين در چنبره چالش های منطقه ای** بقیه از ص ۲  
-۷ از آنجاییکه این اتحاد و پیامدهای آن در تعارض جدی با آزادی و حقوق بشر می باشد لذا شورای حقوق بشر سازمان ملل بمنتظر حمایت از مردم بحرين رسیدگی به این موضوع را در دستور کار خود قرار دهد.

-۸ بالاخره سازمان های بین المللی غیر دولتی -NGO- حامی و مدافعان حقوق بشر در راستای ایفای مسئولیت های اخلاقی و انسانی خود، جهانیان را از فرآیند زیانبار این اتحاد که چیزی غیر از سلب آزادی و حقوق شهروندی مردم بحرين نیست، آگاه سازند.

جهنه ملی ایران در راستای پایبندی خود به آزادی، مردم سالاری، حقوق بشر و حکومت قانون و حمایت همه جانبی از خواست های اکثریت مردم بحرين برای تغییر مسالمت آمیز وضع موجود، از شورای امنیت سازمان ملل متعدد و دیگر نهادهای بین المللی مسئول می خواهد از ادامه برخورد گزینشی با بحران بحرين خودداری نموده و در جهت ایفای مسئولیت سیاسی و تاریخی خود همراه و همگام با بیوندگان راه آزادی به باری مردم ستم دیده بحرين برخاسته و اجازه داده نشود آزادی و حقوق اکثریت مردم این کشور وجه المصالحة منافع و مصالح سیاسی حکومت های استبدادی منطقه قرار گیرد.

پانزدهم خرداد، سخنگوی جبهه ملی ایران

شاعر آزاده، دکتر مصطفی بادکوبه ای

رویدادهای ۲۵ خرداد ۶۰ و ... بقیه از ص ۶

## امید

چرا ز شعر من بی قرار می ترسید  
ز خواندن غزلی شبشکار می ترسید  
اگر که جان شما بسته‌ی زمستان نیست  
چرا ز واژه‌ی سبز بهار می ترسید  
چو شیر وحشی و امانده در دل صحراء  
ز هر سروده‌ی خورشیدوار می ترسید ...  
چه دشمنی است میان شما و خنده و عشق  
که هر که دم زند از عشق بار می ترسید ...  
چه وحشتی است شما را ز قصه‌ی ضحاک  
چرا ز کاوه و از مازیار می ترسید  
فتاده تستک رسوابی شما از بام  
که از تجمع بیش از چهار می ترسید  
اگر به حکم خدا می کشیدمان بر دار  
چرا ز رقص تنی سرپرده‌دار می ترسید  
سرود فتح شما می رسد به گوش فلک  
ولی ز آه زنی داغدار می ترسید ...  
پیام عشق و امید است شعر زندگی من  
اگرچه از دل امیدوار می ترسید

سالار. در صورت دوم آنطور که ادعا می کردند در نهایت ایران صاحب مردم سالاری دینی می شد. مردم سالاری دینی اصطلاحی است که برای گمراه کوشن مردم سالاری دینی بخودی اصلاح طلب اختراع گردید. همین واژه مردم سالاری دینی نظامی که در آن خود گویا است یعنی بجای مردم سالاری یعنی نظامی که در آن همه ایرانیان پیرو هر دین و یا اعتقاد سیاسی حق دارند در امور سیاسی مملکت آزادانه بیان و عمل نمایند. مردم سالاری دینی یعنی نظامی که در آن قانون نه از طرف مردم که از طرف الله نوشته شد و غیر قابل شک کردن و تغییر دادن است. این قانون همیشگی و لازم الاجرا است و چون نماینده الله در روی زمین (بخوانید تنها محدوده جغرافیای ایران) امام است که غایب می باشد بنابراین در نبود امام، این ولی فقیه است که حکم امام را دارد.

بی تردید در صورت پیروزی نامزدهای شکست خورده انتخابات ریاست جمهوری اسلامی در سال ۸۸ - میرحسین موسوی و مهدی گروبی - مدار پسته استبداد مذهبی تداوم می یافت. با این وجود برخی از سازمان ها و شخصیت های بظاهر اپوزیسیون خارج از کشور، در ارتباط و پیوند با برخی از جناح های حاکمیت، به امید سهیم شدن در قدرت، مردم را تشویق به شرکت کردن در انتخابات می کردند و وعده می دادند که رأی آن ها خواهد خواهد شد و به حساب خواهد آمد. همچین شرکت نمودن در انتخابات را تمرين کردن دموکراسی می نامیدند، بدون آنکه پاسخ دهنده چگونه در یک نظام استبدادی که نامزدهای انتخاباتی آن باید از صافی شورای نگهبان بگذرند و ملزم و متوجه به قانون اساسی اسلامی و سرسپرده ولی فقیه باشند می توان تمرين دموکراسی کرد؟

اما اینکه چرا حرکت ۲۵ خرداد سال ۶۰ که هدف از آن، رهایی از استبداد و رسیدن به حاکمیت مردم بود با استقبال رسانه های غربی روپرور نشد در صورتی که جنبش مردم خرداد سال ۸۸ که چنانچه پیروز می شد بنا بر گفته کسانی که به عنوان رهبران جنبش سبز نامیده شدند هدف آن اجرای انتخاباتی آن باید از بازگشت به «دوران طلائی امام» بود با بازنتاب گسترش و بی سابقه ای که در سی سال گذشته سابقه نداشت روپرور شد.

یکی از دلایل این دوگانگی را از جمله باید در آن دانست که در سال ۶۰، قدرت های غربی خواهان تغییر نظام اسلامی در ایران نبودند و سیاست کاربردی آن ها حتی مذهبی کردن سایر کشورهای منطقه بود. در سی و چند سال گذشته آنها با اجرای این سیاست - با جنگ یا انقلاب - توانسته اند بسیاری از کشورهای منطقه را اسلامی نمایند.

در سال های نخست استقرار جمهوری اسلامی در ایران، کارتر رئیس جمهور وقت آمریکا خمینی را دوست خود و نماینده او آندره یانگ در سازمان ملل او را مقدس - سنت - می نامیدند، از این رو تغییر نظام اسلامی و برقراری مردم سالاری را در ایران تاب نمی آوردند.

در سال ۸۸ اما، غرب خواهان جابجایی قدرت در حاکمیت اسلامی بود و از جناح هایی که قول همکاری و همراهی داده بودند جانبداری می کرد.

بررسی و تجزیه تحلیل آنکه سیاست غرب در شرایط کنونی در مورد ایران چیست و اینکه به چه دلیل در پی جابجایی قدرت در حاکمیت اسلامی است و اینکه چرا از حضور میلیونی مردم در خیابان ها که خواستار پایان دادن به استبداد مذهبی و رسیدن به آزادی و استقرار نظامی مردم سالار بود هراس دارد، نیاز به فرصت و نوشتار دیگری دارد. \*

خوانندگان گرامی می توانند مطالب خود را جهت چاپ در نشریه جبهه ملی خارج کشور، به نشانی زیر بفرستند.  
راه تماش با سازمان جوانان جبهه ملی خارج از کشور:  
[www.javanane-melli.de](http://www.javanane-melli.de)  
[info@javanane-melli.de](mailto:info@javanane-melli.de)

### نشریه

## جبهه ملی ایران خارج کشور

با مسئولیت هوشنگ کردستانی زیر نظر  
هیأت تحریریه

هوشنگ کردستانی، مهندس مسعود هارون مهدوی،  
دکتر حسن کیانزاد  
و جهانگیر لقائی هر ماه یک بار در خارج از کشور انتشار  
می یابد  
نوشتارهای با نام نویستده در نشریه جبهه ملی ایران  
خارج کشور، الزاماً نظر جبهه ملی ایران نیست.

همبستگی و پایداری تاریخی اقوام ایرانی در لوای حاکمیت مردمی،  
هدف جبهه ملی است